

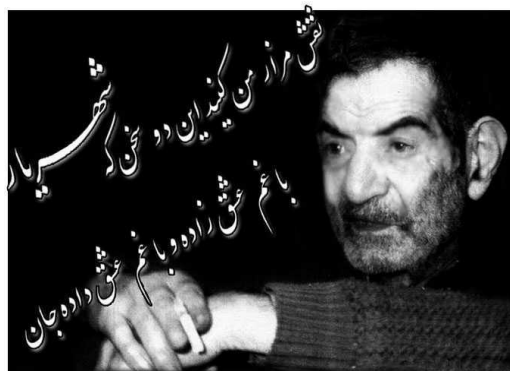


ایران در دوران معاصر

وطن پرستی استاد شهریار (شاعر بزرگ آذربایجانی)

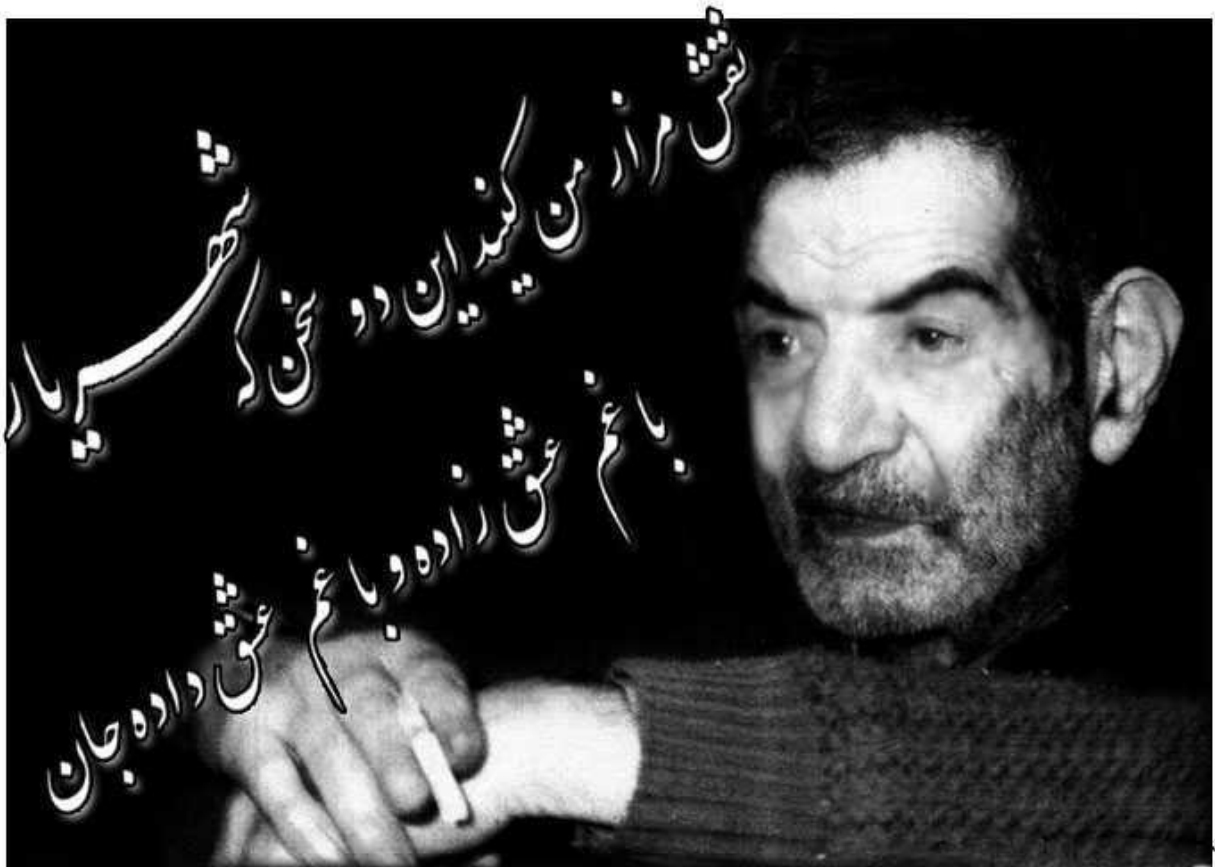
نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۷ بهمن ۱۳۹۱ - ۷ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

اهمیت اتحاد و یکپارچگی ایران از استاد شهریار، اسرار وی به همبستگی ملی یکی از مهمترین سروده‌های شهریار که اشارتی مستقیم به جدایی سرزمین‌های ایرانی قفقاز و تجزیه خاک ایران دارد، قطعه شعری است که خطاب به محمد رحیم شاعر قفقازی سروده است: ایگیت لر یوردو قفقازیم، سنه مندن سلام اولسون سنین عشقیندن ایراندا، هنوز صبری تالان واردیر آنام تبریز منه گهوار ده سویلردی: یاوروم بیل! سنین قالمیش اوتایدا خال لی تئل لی بیر خالان واردیر آراز دشمن الینده بیر قلیچ تک اورتا



اهمیت اتحاد و یکپارچگی ایران از **استاد شهریار**، اسرار وی به همبستگی ملی یکی از مهمترین سروده‌های **شهریار** که اشارتی مستقیم به جدایی سرزمین‌های ایرانی قفقاز و تجزیه خاک ایران دارد، قطعه شعری است که خطاب به محمد رحیم شاعر قفقازی سروده است: ایگیت لر یوردو قفقازیم، سنه مندن سلام اولسون سنین عشقیندن ایراند، هنوز صبری تالان واردیر آنام تبریز منه گهوار ده سویلردی: یاوروم بیل! سنین قالمیش اوتایدا خال لی تئل لی بیر خالان واردیر آراز دشمن الینده بیر قلیچ تک اورتانی کسدی اونون اولادی وارسا بیل، سنی یاده سالان واردیر (2) (دیوان ترکی شهریار - ص 82)

شهریار در بیت پایانی این غزلواره از اینکه قفقاز اسیر حاکمیت کفر شده، ناراحتی خود را بیان و به شاعران آن سوی ارس توصیه می‌کند که مراقب مقاصد شوم روس‌ها باشند: بیزی کفر اهلی ایسترسه، یوکون چاتماق اوچون ایستر بیزه بونلردان آرتیق قالسا بیر یرتیک پالان واردیر (3)

***** شاعر صریح ایران زمین در شعر دیگری که برای سلیمان رستم از شاعران معروف قفقاز سروده، از جدایی برادران ایرانی و اسارت ایرانیان قفقازی در چنگال بیگانگان ناله سر می‌دهد: آغ گویرچین نه روا دیر، کی ایشیق‌لیق قوشو، سن تک

یاتا بایقوش یوواسیندا، قالا خفاش آراسیندا (4)

(دیوان ترکی شهریار - ص 84)

...

شهریار در قطعه دیگری که خطاب به یکی از اقوام خود به نام میرابوالفضل حسینی متخلص به «حسرت» که در زمان فروپاشی فرقه دمکرات آذربایجان (1325 شمسی) به همراه عده‌ای دیگر، از ایران متواری شد، سروده، از خوردن فریب شیطان و افتادن در دام تجزیه طلبها و بیگانه‌گراها بر حذر می‌دارد و می‌گوید:

جاهللیقدا تورا دوشن چوخ اولار

قیش یاخینلار تور آتانلار یوخ اولار

مظلوم لارین آهی بیر گون اوخ اولار

ظلمون دگر، اورگی نین باشینا

آوچی قویار باش یهرین قاشینا

یازبق جوان شیطانی گورجک چاشار

یولدان چیخیب بولودلو داغلار آشار

حقى تاپان خضر اولی مینلر یاشار

نه یاخشی دیر الله سوزون اینانماق

بلا لرده صبر ائله یب، دایانماق (5)

(دیوان ترکی شهریار - ص 57)

شهریار ضمن دعوت به بازگشت شاعران و هموطنان فراری برای آمدن به خاک وطن این چنین در بیت دیگری می‌گوید:

وطندن آیری دوشن اولادیم قاییت وطنه

قاییت کی گوز یولا تیکمیش آنا قایتدی سنه (6)

(همان - ص 90)

شهریار همچنین در یک موضعگیری بسیار آگاهانه، در پاسخ به عده‌ای بچه کمونیست که شاعر بزرگ ایران را از سرودن شعر فارسی بر حذر می‌داشتند، می‌گوید:

دندین آذر ائلی‌نین بیر یارالی نیسگیلی یم من

نیسگیل اولسام دا گولوم بیر ابدی سؤیگیلی‌یم من

ائل منی آتسادا اؤز گولشنیمین بولبولی‌یم من

ائلیمین فارسجادا دردینی سؤیلر دیلی یم من

ابدیت گولویم من (7)

(دیوان ترکی شهریار - ص 72)

سخن در این وادی را با بیان مؤخره‌ای پیرامون اشعار ترکی شهریار به پایان می‌بریم:

شهریار شناسان معتقدند این شاعر بزرگ زمانی به سرودن شعر ترکی آذری اقدام کرد که به مقام والایی در شاعری دست یافته بود. او را در کشور می‌شناختند و سخنانش زبان به زبان می‌گشت.

به گواهی تاریخ زمانی که هنوز مجموعه کم نظیر «حیدربابایه سلام» شهریار و دیگر اشعار ترکی آذری او سروده نشده بود، در مراسم بزرگداشتی که در دانشگاه تبریز برای شهریار برپا شد، دانشجویان و حتی مردم عوام برای دیدن شهریار، سرو دست می‌شکستند.

دکتر علی اکبر ترابی که تحقیقات ارزنده‌ای در جامعه شناسی شعر شهریار دارد، معتقد است: «دیوان اشعار فارسی شهریار تأمین کننده نخستین مرحله از اشتهار شاعر به عنوان غزلسرای بزرگ و اشعار حیدربابا فراهم آورنده بلند آوازی او در نیمه دوم حیات است» (8)

روان شاد دکتر محمود پدیده استاد فقید دانشگاه تبریز نیز می‌نویسد: «شهریار برخلاف اکثر ترکان پارسی‌گوی که کاملاً ترک بودنشان در شعر محسوس است، چون با اصطلاحات زبان فارسی آشنایی دارد، اگر کسی با او سابقه معرفت نداشته باشد، نسبت ترک بودن به او نخواهد داد...» (9)

می‌توان چنین نتیجه گرفت که تلاش عده‌ای در معرفی شهریار بدین صورت که او تنها با سرودن اشعار ترکی به عنوان شاعر بزرگ در کشور مطرح شد، حرکت مذبوحانه و احمقانه‌ای بیش نیست. یکی از این افراد می‌گوید: «شهریار را منظومه حیدربابا شهریار کرد. قبل از آن اگر نامی داشت (!) در ردیف چند شاعر خوب زمان بود و عده‌ای

(۱) ادب دوستان درکش می‌کردند و نامش را می‌بردند. در بین عوام شهرت چندانی نداشت. ولی با انتشار این مجموعه، آتشفشانی شروع به فوران کرد...» (۱۰)

همین فرد در یک نتیجه‌گیری کودکانه دیگری می‌گوید که منظومه بلند و کم نظیر حیدربابا «به تقاضای عمه و عمه‌زادگان» شهریار که زبان فارسی نمی‌دانستند سروده شده است. این فرد می‌گوید: «منظومه‌ای که برای خاطر فهم عمه و عمه‌زاده ... به زبان محاوره‌ای و ساده و بدون پیرایه سروده شده بود، شاهکاری از آب در آمد...» (۱۱)

این در حالی است که رویکرد استاد شهریار به شعر ترکی، علی‌رغم برخی از شاعران چپ‌گرای همدوره وی «به دور از اغراض سیاسی» و اهداف حزبی بود و این گونه است که «طرح حزب کمونیست شوروی برای اعطای جایزه ادبی لنین به شهریار با هوشیاری شاعر بزرگ ملی ایران با شکست مواجه شد» (۱۲).

توجه شهریار به عنوان یک ایرانی دوستدار وطن، به شعر ترکی، تنها از راه عشق به احیای زبان مادری بوده است. پس توان گفت که چهره ادبی شهریار از دو نیم رخ شعر فارسی و شعر ترکی آذری تشکیل یافته است. هر دو سوی این نیم‌رخ‌ها، صورت زیبا و دلنشین «شهریار ایران» را تشکیل می‌دهند.

شهریار حتی به حدی مراقب نیفتادن در دام بیگانه‌گرایان بود که در مصاحبه‌ای می‌گوید: «لهجه ترکی ما با سایر لهجه‌های زبان ترکی متفاوت است. من سعی می‌کنم به لهجه تبریز بنویسم. برخی لغات ترکی هستند که ... ترکهای ایران آن را نمی‌دانند... تا حدی که برایم مقدور است از این لغات استفاده نمی‌کنم.» (۱۳)

شهریار این مصاحبه را چنین به پایان می‌برد. «ترکی، فارسی، عربی هیچ یک به تنهایی نمی‌توانند وجود داشته باشند. زبانها همه بر یکدیگر وابسته‌اند و هر یک به نحوی نقصی دارند... مهم این است که نباید تعصب داشت.» (۱۴)

پاورقی:

x فرقه دمکرات آذربایجان به دستور استالین و به طور مشترک توسط میرجعفر باقراف و میر جعفر پیشه‌وری در دوازدهم شهریور ماه ۱۳۲۴ به طور علنی و با انتشار بیانیه‌ای اعلام موجودیت و در ۲۱ آذر ماه همان سال به طور رسمی با افتتاح مجلس به اصطلاح ملی! آغاز به کار کرد.

۲- ترجمه فارسی شعر : ای سرزمین قهرمانان، قفقاز سلام بر تو ! در عشق تو هنوز بسیاری در ایران سرگردان و

پیشانی حالند. مادرم تبریز زمانی که من در گهواره بودم، می‌گفت: فرزندانم، بدان که تو در آن سوی ارس خاله‌ای زیبا رو داری... ارس چون شمشیری به دست دشمن، میانه ما را برید و از هم جدا کرد. اگر او نیز فرزندی دارد، بداند که تو نیز در یاد مایی و فراموش نشده‌ای.

3- ترجمه فارسی شعر: اگر اهل کفر به ما اظهار تمایل کنند، بدان که برای بهره‌گیری و نیل به مقاصد شوم خود این کار را می‌کنند. بدانید که برای ما از اینها بیش از یک پالان کهنه و پاره نخواهد ماند.

4- ترجمه فارسی شعر: ای کبوتر سپید، تو که مرغ روشنایی‌ها هستی، چه رواست که در لانه جغد منزل کنی و در میان خفاشان (= زمامداران کمونیست) زندگی نمایی؟!

5- ترجمه شعر: در جوانی خیلی‌ها به دام می‌افتند. زمستان از راه می‌رسد و اثری از گسترندۀ دام و صیادها نمی‌ماند. یک روز آه و ناله مظلومان به تیری تبدیل می‌شود و قلب ظلم را نشانه می‌رود و صیاد سر بر زین می‌نهد. جوان با دیدن شیطان از راه به در می‌رود. راه را گم کرده و سر به کوه‌های مه‌آلود می‌نهد. (اشاره به فرار از ایران) هر کس مؤمن به حق شد، عمر جاوید یابد. پس چه بهتر است سخن حق را قبول کنیم و در برابر بلایا صبر نماییم.

6- ترجمه شعر: ای فرزندی که از دامن مام میهن دور افتاده‌ای، به زادگاهت بازگرد. بازگرد که مادر چشم به راحت نیز بازگشته است.

7- ترجمه شعر: گفتمی که من حسرت زخم‌دیده مردم آذربایجانم. اگر حسرت هم باشم ای عزیز، معشوق و عزیز هم هستم. اگر حتی مردم مرا از خود برانند، من بلبل داستانسرای ایرانم. من شاعری هستم که به زبان فارسی نیز دردهای جامعه‌ام را بازگو می‌کنم. من گل ابدی هستم.

8- گامی در راستای شهریار شناسی - ص 16

9- همان - ص 78

برگرفته از وبلاگ "کلبه درویشی"

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «وطن پرستی استاد شهریار (شاعر بزرگ آذربایجانی)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1236/pdf/ادربا-آذربا-شهریارشاعر-بزرگ-ادربا.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۳۰ شهریور ۱۴۰۵